

توقان

ارگان سازمان بهار سوسیالیستی توفان

دوره سوم

مناصب جنابات احزاب سازمان است

رهائی خلق

در مبارزه قهرآمیز است

همسوطنان!

کارگران و دهقانان و روشنفکران و مبارزان ملی و ضد استعماری ایران هر روز خیرهای وحشت آوری از زندانیان محترم رضاشاه میسرند -

چند ماه پیش سازمان توفان ضمن اعلامیه‌های هند اراد کریم کودتا در رندارک جنایت دیگری است ویناگرکی مدهای از فرزند ان شایسته خلق را بشکجه کاهها کشانده داشت بعد آنانی بد شد که از چهل تن زندانی مذکور جان مده ای از جمله: بیون جزئی و حسن ظریفی و سورکی در اثر شکنجه‌های وحشیانه و خطرناست -

نهایت در خلال این احوال یک سلسله آدم در دیهات و شهران و شهرستانها و ترویرخی از اطفالان در مهاجرت بمنظور یاد تری از ظروف ارتانها مختلف رژیم صورت گرفته و بکیرد - و محمد رضاشاه در تعقیب و حبس زجر و اعدام فرزند ان خلق بما "موران سازمان امنیت" "سفید مهر" دارداست - مردم از دستگیری شهبان سیاسی فقط پس از قطع شدن محکومیت آنها با پس از اعدام آنها با خبر میشوند - سیاهچاله‌های سازمان امنیت بصورت فراموشخانه در آمده است - همگونی کسانی در زندانها بسر میزند که تخریبها با اندازه طول سلطنت محمد رضاشاه حبس کشیده یعنی تا امروز پیش از نیمی از عمر آگاه بشوی را در زندان گذرانیده ماند - چه بسیار جوانی که در چار و پزار زندان بهیروی رسیده است - اینک در زندانها چنانند "تسل زندانی" وجود دارد که گرفتاری هر یک یاد کار مرحله ای از یوزر ارتجاع است -

این جنایات از دیده جهانیان پوشیده نیست - در اوقات آنها همه مبارزان راه خلق میوزید دانشجویان میهن پرست مقیم خارجه که امکانات فعالیت ملی بیشتر دارند نقش شایسته ای ایفا کرده اند - بسیار داشتن نظاره‌ها و ترتیب مصاحبه‌ها و نگاشتن مقالات در مجاری اروپا و آمریکا و نامه نویسی بمقامات رسمی ایران و مراجع محافل شرقی بین المللی و طریقی پیشنه‌های مشخص برای بهبود وضع زندانیان و تشکیل انجمنهای حمایت از زندانیان سیاسی و غیره و غیره از اقدامات مفیدی است که تاکنون انجام گرفته است و باید بمقتاس وسیعتری انجام گیرد - بدون تردید اقداماتی از این قبیل توانسته و خواهد توانست رژیم محمد رضاشاه را در موارد معین عقب نشینی محدودی وادارد - ولی برخلاف آنچه روزی پیشنه‌ها میبودند این گونه اقدامات هرگز نتوانسته و نخواهد توانست در ماهیت رژیم فرمانروائی بهیروی وارد کند - با نوزده سالگی که از استقرار رژیم کودتا میگذرد گواهی این امر است تا و اینکه این نیروی قهر ارتجاعی با محمد رضاشاه و حکومت اوست تا و اینکه این نیروی قهر ارتجاعی با نیروی قهر انقلابی رو بروند است - تا و اینکه آرمشکاش و شکنجه‌گران حرفه‌ای از اجازات خلق فرامان اند تا و اینکه دست توانای خلق به قدرت نمائی نبرد اخته است رژیم کودتا با تمام امیدهایش ادامه خواهد یافت - یگانه راه خانه دادن جنایات در زندانها شکنجه‌گران کما موران سازمان امنیت و اوندارها و سربازان شاه مقابلیه قهرانقلابی با قهر ضد انقلابی است که باید بر اساس فعالیت وسیع و پیشنیستی مردم و بوسیله مردم در جهت هدفهای نهضت نجاتبخش ملی و دموکراتیک ایران بعمل آید و جنبه توده ای داشته باشد - و باید قهر مقاومت مسلح را که در نیمتساله اول قرن بیستم در شوروم و انقلاب مشروطه و در نهضت جنگل و در قیام خیابانی و در قیام لاهوتی و در قیام لباک خان و غیره و غیره آن همه تضاهرات در خشان داشته است و دوباره زند محرم - احتشاق بیست ساله جنون رضاخان این فرار مواضکت و صحت از شهریور ۱۳۲۰ حزب توده ایران شاسفانه با حیا و اوشاه جری آن نبردناخت - اینک وظیفه انقلابی همه میهن پرستان ایران است که این فکر مقدس را بحیاط توده با برنده تحلیلات مسامت آمیزی بقیه در صفحه ۲

اظهاریه رفیق مائوتسه دون

(صد رکتبر مرکزی حزب سوسیالیست چین)

دو پیشگیمانی از مبارزه آفریقائیان آمریکائی نیرضام ستم

اخیرا با ستور آفریقائی - آمریکائی ما رتین لرتیکیک و بدست امیر - بالیستهای آمریکا وحشیانه کشته شد - او هوادار مسالمت بود - اما امیرالیستهای آمریکا از او بکنگ شدند و قهر ضد انقلابی دست زد ما و را بر بیضمانه بقتل آوردند -

این حادثه برای توده‌های آفریقائی آمریکائی درس بزرگی است - این حادثه شرفا تا زمانهای از ما بر ضد ستمپرا نیکیتسکیم بیشتر از ضد ستم آمریکا را در بر گرفته است و در تاریخ آمریکایی سابقه است - این حادثه نشان میدهد که در آفریقائیان آمریکائی که پیش از بیست ملین نفوس نیروی انقلاب عظیم نهفته است -

مبارزه آفریقائیان آمریکائی که چون توفانی در آمریکا میخوردند -

مظهر نمایانی از حوران سیاسی و اقتصادی کنونی امیرالیسم آمریکا این مبارزه امیرالیسم آمریکا که با دشواریهای فراوان داخلی و خارجی دست بگریبان میباشد ضربه‌های سخت وارد میآورد -

مبارزه آفریقائیان آمریکائی فقط مبارزه ای نیست که سیاهان استبا زد و ستم یزد بخاطر آزادی و رهائی خویش انجام میدهند - بلکه ضمیمه‌ای جدیدی است که همه آمریکائیان اشتراک زده و ستم را با بقایم بر علیه سلطه در نشانند و بوزوایر انحصارها را میخوانند -

این مبارزه پیشگیمانی نیرومند همه خلقهای جهان و خلق ویتنام در زمره مبارزه امیرالیسم آمریکا است و با آنها دل گرمی بسیار میبخشد -

من بنام خلق چین پیشگیمانی را سخ خود را از مبارزه عادلانه آفریقائیان آمریکائی اعلام میدارم -

تبعیض نژادی که در آمریکا برقرار است نتیجه سیستم استعماری و امیرالیستی است - تضادی که توده آفریقائیان آمریکائی را در برابر هیئت فرمانروای این کشور گذاشته تضاد طبقاتی است -

آفریقائیان آمریکائی فقط با سونگوشا کتلله ارتجاعی بوزوایر انحصارها با برانداختن سیستم استعماری و امیرالیستی میتوانند برهائی کامل نائل آیند - منافع و مقاصد مبارزه توده آفریقائیان آمریکائی و زحمتکشان سفید پوست با هم مشترک است - از این جهت مبارزه آفریقائیان آمریکائی از توجه و پیشگیمانی تعداد روز افزونی از سفید پوستان زحمتکش و شرقی آمریکا برخوردار است - این مبارزه بدو تریوید جنبش کارگری آمریکا را بخود رخصا خواهد داد -

من در ۱۹۶۳ ضمن "اظهاریه در پیشگیمانی از سیاهان آمریکا در مبارزه آنها علیه تبعیض نژادی و امیرالیسم آمریکا" کتم که "سیستم مغفورا ستعماری و امیرالیستی که آغاز رونق آن با اسارت و خرید و فروش سیاهان همراه بود و همراه با آزادی کامل خلقها

نواد سیاه از میان خواهد رفت - من امروز نیز بر همین عقیده انقلاب جهانی در لحظه کنونی بدورانی نوین بزرگ کام نهد است - مبارزه آفریقائیان آمریکائی برای رهائی خویش عنصری از مبارزه همگانی خلقهای جهان بر علیه امیرالیسم آمریکا است و عنصری از انقلاب جهانی عصر ماست - من از کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی همه کشورها و نیز از کلیه کسانی که خواهان رسیدن امیرالیسم اند دعوت میکنم که بعمل بپردازند و بمسارزه آفریقائیان آمریکائی پیشگیمانی نیرومندی برسانند -

خلقهای جهان و محکمتراز همیشه با هم متحد شوید - بحملات بی دریغ و شدیده بر دشمن مشترک ما و بر امیرالیسم آمریکا و دشمنانش بیرون آید - میتوان تأیید کرد که روز زوال کامل استعماری امیرالیسم و کلیه سیستمهای استعمار و روز نیل برهائی کامل همه خلقها و ملل ستم دیده در نرسند -

گرامی باد یاد او نه زورگ

روز ۲۰ ژوئن سال گذشته دانشجویان مترقی آلمان به منظور ایران تفرغت ستم بدو خیم خلق ایران محمد رضاشاه که بمیمانی امیرالیسم آلمان یافته بود در کنار دانشجویان ایرانی به جنبش را دهند و در جبهه واحد بر علیه سیستم آلمان و ما موران سیاهکارها زمانا نسبت نبرد کردند - در این نبرد افتخار آمیز دانشجویان آلمان نیز از نبرد بجزیب گلوله از یای در آمد - مرگ و نجات نه همیشه خلق ایران و خلق آلمان است نشان اتحاد آنها بر علیه امیرالیسم و فاشیسم است - ملت ایران یاد او تهر زگر کار خمی میدارد و آن را در تکمیل همیشه همیشه خویش با خلق آلمان میبخشد -

با این مناسبت لازم است یاد او را در هر یک از روزهای که هم اکنون دانشجویان و همه بهترین نیروهای ملت آلمان در برابر احیای فاشیسم در پیش دارند تخلق ایران با آنهاست - بیکار بر علیه فاشیسم کما نیمه معاشب عظیم برای پیسرسیت بسیار آورده اند از کمین جد بدینجا یاد گرفته است - بیکاری است مقدس و متعلق به همه خلقهای جهان - استوار بساد پیوند خلق ایران و آلمانیان بر علیه فاشیسم و امیرالیسم :

جنبش خرداد ۱۳۴۲

پنج سال پیش در چنین روزهایی خون سرخ میهن پرستان ایران برچشم انقلاب برین گشودن خیابانهای تهران در ری و مشهد و تبریز و شیراز و قم میگذشت - در این اردوگاه اسیران کمیته ماست صدای کسستن زنجیرها و صغیر گولمها و فریادهای عاصی طنین انداز بود - مشت‌های زور آزاری سرنیزه‌ها و سینه‌ها به پیشانی زلزله هامیرفت - شعله‌ناویل‌های ارتش و شهربانی که بدست مردم آتش زده می شد از خشم سوزان خلق خیر میداد - برخی از عمارات و موسسات دولتی و یامراکز ارتجاعی بعنوان ظاهر حنوت استبدادی در زیر ضربات خورد کنند و فرار میکردند - تانکهای سنگین میدان‌های میگرد ولی از اینکه سبیل مردم را سد بندی کند عاجز بود - فریاد های "مردم بهاد استبداد" و "مرکز محمد رضاشاه" خفقان و محبط را در هم می شکست -

جنبش خرداد ۱۳۴۲ در دوران رژیم کودتا و اوان محض جهالت در تاریخ ۲۵ سال اخیر ایران بی نظیر است -

این جنبش کاملا توده‌ای بود و همه هزارتن در آن شرکت جستند - این جنبش صریحا بر ضد رژیم کودتا بود و شعار سرنگونی محمد رضاشاه را مطرح میکرد -

این جنبش که مردم را در مدتی پیش از یک هفته با فزای مسلح لرتی در کبر ساحت نشانهای از اراد میبکار چوبی خلق ایران بود -

این جنبش سرشار از جانبازی بود - شهادت مردم با فسادت محمد رضاشاه برابر میگرد - هزارها نفر در تهران و شهرستانها بقتل

آمدند بطوریکه حتی دستگاه تبلیغاتی رژیم نیز گشام و کوشش در پوشاندن حطت‌ها مانده بود - نتوانست تعداد کشتگان و زخمیان تهران را اختراز ۲۰۰ تن قلد ا کند -

خصوصیت مثبت عمده جنبش خرداد ۱۳۴۲ در آن بود که مردمی مرد پنظاهر مسالمت‌ساز اشکاف نکرند و قهر ارتجاعی در بارود ولت را با قهر انقلابی رو برو ساختند - آنشکاف مسائل قوای دولتی مانست انوصیل و ترویر سکت و محطامرا ارتقا و یو و تبلیغات و پرور ارتشکوره برایشکاههای مزدوران حلقه بکوش شاه و بر برخی از مظاهر تجمل طبقات بازرگر و با پلیس و سربازان شاه به بدخش از کرایش خلق ایران بمباراز خیر آمیز بود -

این جنبش همه ضد انقلابیون هراس زده‌ها و ییلا و جهان را در صف واحدی انداخته - این جنبش جنبه جدی داشت و از سد انتقاله های "اپوزیسیون اصلاحی" "بیرون بردن ارتجاع با زبانه‌های سیاسی مسالمت آمیز" را در هم می شکست - کوس نبر های جدیدی را میخواست - شاه و دولت و امیرالیستها و اپوزیسیونتها و روزیونیستگای ایرانی و غیر ایرانی حق دانشنده به برسانند - بمعنی اینها توده های مردم "حق دارند" که رنج بکشند و ناله کنند و سخن فریاد بیاورند و بزند ان پرورند - شمشه بپنیدند و سرفراز بچند اگردند - ولی "حق" اسلحه داشتن و حی زدن و حتی کشتن و حق سوزاندن فقط و فقط با طبقات فرمانرواست - روزی که مردم دست از آستین بیاورند و انحصار اسلحه را بر بپرورند - بقیه در صفحه ۲

پنج سال پیش در چنین روزهایی خون سرخ میهن پرستان ایران برچشم انقلاب برین گشودن خیابانهای تهران در ری و مشهد و تبریز و شیراز و قم میگذشت - در این اردوگاه اسیران کمیته ماست صدای کسستن زنجیرها و صغیر گولمها و فریادهای عاصی طنین انداز بود - مشت‌های زور آزاری سرنیزه‌ها و سینه‌ها به پیشانی زلزله هامیرفت - شعله‌ناویل‌های ارتش و شهربانی که بدست مردم آتش زده می شد از خشم سوزان خلق خیر میداد - برخی از عمارات و موسسات دولتی و یامراکز ارتجاعی بعنوان ظاهر حنوت استبدادی در زیر ضربات خورد کنند و فرار میکردند - تانکهای سنگین میدان‌های میگرد ولی از اینکه سبیل مردم را سد بندی کند عاجز بود - فریاد های "مردم بهاد استبداد" و "مرکز محمد رضاشاه" خفقان و محبط را در هم می شکست -

جنبش خرداد ۱۳۴۲ در دوران رژیم کودتا و اوان محض جهالت در تاریخ ۲۵ سال اخیر ایران بی نظیر است -

این جنبش کاملا توده‌ای بود و همه هزارتن در آن شرکت جستند - این جنبش صریحا بر ضد رژیم کودتا بود و شعار سرنگونی محمد رضاشاه را مطرح میکرد -

این جنبش که مردم را در مدتی پیش از یک هفته با فزای مسلح لرتی در کبر ساحت نشانهای از اراد میبکار چوبی خلق ایران بود -

این جنبش سرشار از جانبازی بود - شهادت مردم با فسادت محمد رضاشاه برابر میگرد - هزارها نفر در تهران و شهرستانها بقتل

پیروز باد جنگ توده‌های خلق قهرمان ویتنام

دو خط مشی



انقلابی منطقه توانها احتراز جویند و سیاست همزیستی مسالمت آمیز اتحاد شوروی با سوسیالیست این دو هدفی میباشند . اتحاد شوروی با پیروی از این سیاست در دنبال همکاری با امپریالیسم امریکاست برای اینکه با تفاق وی سلطه فئود خود را بوجهان بیه کستراند و از بروز انقلاب در کشورهای دیگر که ممکن است بزبان این همکاری تمام شود جلوگیری بعمل آورد .

برای صحت این امر باید کشته کروسیکوزیر امور خارجه شوروی گوش فراد هید : " ما (شوروی و امریکا) نیرومندترین کشورهای جهانیم چنانکه ما بسود صلح متحد شویم و جنگی بوقوع نخواهد پیوسته . از در برانده ای جنگ را آغاز کند ناخی است ما با انگشت خود وی را تهدید کنیم تا آرام شود . اگر قرارداد میان رئیس دولت شوروی و خورشید و رئیس جمهور امریکایندی منعقد کرد در راه حلی برای مسایل بین المللی که سرنویست بشریت بدان وابسته است پیدا خواهد شد " . با صراحتی که در این گفته پلارفرشته هرگونه تفسیری زائد است .

انعنا سر این خط مشی در ایران که عهه شاهد زنده ان هستیم عبارت است از اتحاد با ارتجاع سیاه و در راه آن شاه علیسه خلق ایران را آرایش اقدامات نواستعماری شاه برای منصرف ساختن توده های مردم از مبارزه با رژیم پشیمانی از رژیم خونین کودتا برای آنکه امپریالیست ها (به پیشرو کیم امپریالیسم ها) با فراغ خاطر مفاخرت ثروت شوروی و تاراج دسترنج خلق زحمتکش آن کشور باشند و رویزین سیاستهای شوروی و دیگر کشورهای سابقا سوسیالیستی را نیز از این نمد کلاهی باشد .

همین خط مشی است که هم اکنون از طرف رویزین سیاستهای ایران در مفاصل کشور دنبال میشود . تئوری "عقب نشینی" املان بدست آوردن آزادی و دموکراسی در راه رژیم موجود " ستودن " انقلاب بات شاهانه " تئوری "تقدم صلح بر استقلال ملی و بنا بر این اساس اتحاد تاکتیک راه مسالمت آمیز انقلاب " تئوری "تسلیم استعمار و آزادی از راه کجکهای اقتصادی شوروی و " تئوری "ساحتمان سوسیالیسم با دست طبقات و قشرهای غیرا طبقه (رکز) ولایت با دست طبقات حاکمه (شونی) و بطاثر اینها مضافا هر از این خط مشی است بصورت حلاصه خصصه مشی یعنی بزرگ همزیستی مسالمت آمیز و گذار مسالمت آمیز " و حذف مشی استفاد انقلابی و ارتجاعی که هیچوجه با واقعیت کنونی جامعه بشری و جامعه ای که در زمانه پوزایو کوشه های آن نیروهای انقلابی باخاستم برای آزادی و استقلال ملی و سوسیالیسم می جنگند سازگار نیست . این خط مشی " مشی رویزین سیاست با امپریالیسم و ارتجاع است . مبارزان راه انقلاب بدت نهایست آنرا حادتر ساخته و بدافزایدند .

در ۱۴ ژوئن ۱۹۶۳ یعنی درست در پنج سال پیش حزب کمونیست چین خط مشی جنبش کمونیستی و مسائل مربوط به آن را در سندی مشتمل بر ۴ ماده تحت عنوان " پیشنهادات در باره خط مشی جنبش کمونیستی جهانی " تدوین کرد . این خط مشی بدست مبنی جنبش بر در نشانه اساسی زیر است :

۱) " مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی باید منعقدکننده و قوا بی نیی عاجز نام تاریخ جهانی باشد . مبارزه با سوسیالیسم و پرولتاریا و دلخواه مالک مختلف از مراحل مختلفی میگذرد و دارای خصایصی است که محتصر بحد آنهاست و اول این مبارزه نمیتواند از اثره توانین عامه ملل تاریخ جهانی خارج شود . مشی عمومی جنبش کمونیستی جهانی باید سمت اساسی مبارزه انقلابی را بر پرولتاریا و ملل شوروی های مختلف نشان دهد " .

۲) " تعیین خط مشی عمومی باید بر اساس واقعیت موجود در جهان باشد : از تحلیل طبقاتی تضاد های اساسی جهان کنونی ناشی شود و علیه استراتژی جهانی ضد انقلابی امپریالیسم امریکا متوجه باشد " .

استانلی بزرگ از همان تحسین مالهایی پس از انقلاب اسپرین بود که در انقلاب بپیروی از انقلاب سوسیالیستی در اتحاد شوروی حاکمه نمیداد ، بلکه در مرحله جدیدی میشود ، مرحله نقاب در مفاصل جهانی منظور بود . امپریالیسم و پیروی سوسیالیسم از طریق اتحاد انقلاب پرولتاریائی با جنبش آزاد بپیش کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره ، این هیچوجه بمعنی " نازاندن " انقلاب نیست و این معنی نبود که باید بیدرنگ از راه جنگ با این منظور ناقل آمده بمعنی صدور انقلاب هم نبود و نمیتوانست باشد زیرا اندکی پس از جنگ جهانی اول نامدشی انقلاب در کشورهای در حال فروکش بود اما با این معنی بود که کمونیستها باید سیاست خود را بر این خط مشی پایه بگذارند و فعالیت خود را بر این اساس سازمان دهند . شد است این نامدشی که در راه حزب کمونیست اتحاد شوروی قرار داد با این خط مشی انقلابی وفادار ماند . با امپریالیسم و ارتجاع پس استحکام و قاطعیت مبارزه کرد . توده های خلق در مبارزاتشان علیه امپریالیسم و ارتجاع صمیمانه کمک رسانید .

در کشور ۴۰ که مانند لکه سیاهی بر دامان جنبش کمونیستی باقی خواهد ماند همزمان با حملات خائفانه حروشیف باستانی ، این خط مشی انقلابی جای خود را بخط مشی ضد انقلابی و ایدئالستی واگذاشت که مبتنی بر سه اصل همزیستی مسالمت آمیز ، گذار مسالمت آمیز ، و سابقه مسالمت آمیز است . جان کرم این خط مشی را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد :

با استفاده از برتری سیستم سوسیالیسم بر سیستم سرمایه داری و باتکیه بر سابقه مسالمت آمیز با امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکائی میتوان در فاصله زمانی کوتاهی سطح زندگی مردم شوروی را بپایه ایالات متحده رسانید و از او هم بالاتر برد و آنکه توده های مردم در سراسر جهان بچاهنیت سوسیالیسم و بلزوم آن بی خواهند بود و برای استقرار آن خواهند کوشید . اما برای نیل باین هدف اتحاد شوروی بصلح نیازمند است . بناچار رژیم حفظ صلح از راه همزیستی مسالمت آمیز در درجه اول اهمیت قرار میگیرد . احزاب کمونیست میتوانند و باید توده های مردم را به بخاطر انقلاب بلکه بخاطر حفظ صلح بسیج کنند ، بخاطر حفظ صلح میتوان باید از استقلال ملی و آزادی از چشم پوشید و سلطه امپریالیسم بر زمین از سلفه جهان تن در داد و محرومیت و کمزوری و زجر و شکنجه کشید و عصیان نکرد . این است ماهیت خط مشی همزیستی مسالمت آمیز حروشیف که ناسیونالیسم و سوسیالیسم ملت بزرگ امریکای آن متبرار این است خط مشی ایدئالستی که مطلقا واقعیت جهان را در نظر نمیگیرد .

حزب کمونیست اتحاد شوروی و در راه آن حروشیف باخا بوساطت که در اختیار داشت کوشید این خط مشی ضد انقلابی را به تمام احزاب کمونیستی و کارگری بچابه خط مشی جنبش کمونیستی بقبول لاند ، معذالک با آنکه در ابتدا هنوز مصححت گرد انقلابی این خط مشی در زمانه و اهمیت نتایج وحیم آن بر همه کس معلوم نبود مبارزه با آن آغاز کردید . غی این مبارزه احزاب وفادار مارکسیسم - لنینیسم و در درجه اول حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی تمام کوشش خود را برای اصلاح این خط مشی پلار انداختند .

در جلسات مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ آنها موفق شدند بسیاری از اصول انقلابی را در اعلامیه این جلسا بجای احلام ضد انقلابی بنشانند ولی حزب کمونیست اتحاد شوروی از خط مشی ضد انقلابی خود دست برنداشت و آنرا بصورت قدر قدر و کاملتر در برنامه خود متعقد ساخت .

این خط مشی از همان آغاز چندی خاطر امپریالیسم و ارتجاع و بویژه امپریالیسم امریکا افتاد . استراتژی جهانی امپریالیسم امریکائی و هدف را دنبال میکند . از یک طرف میبکشد تضاد دنیای امپریالیسم و دنیای سوسیالیسم را ، آنکه حل آن از طریق جنگ امکان پذیر نیست ، از راه " تکامل مسالمت آمیز " حل کند و با درنگ ساختن اهمیت کشورهای سوسیالیستی آنها را بیدر و بیخ در برده کشورهای " دنیای آزاد " در آورد و از طرف دیگر از طریق انقلاب در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره که با استقلال و آزادی آنها مناجامه جلوگیری و سلطه خود را بر روی این کشورها همچنان حفظ کند . از این رو امپریالیسم امریکائی ضد است نه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی از لنگ جنبشهای

واقعیت کنونی جهان بیش از هر موقع دیگر صاعده بحال مبارزه انقلاب است . دنیای سوسیالیسم از حد وید کشور واحد فرارفته ، اکنون یک رشته از کشورهای اروپا و آسیا و امریکای لاتین در بر میگیرد . این کشورهای با سرعت رشد مییابند و هر روز نیروی بیشتری میگیرند . رشد نیروی مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی و مبارزه آنها از آنها علیه امپریالیسم و ارتجاع و پشیمانی بی حد و مشروط آنها از جنبشهای آزادی - یعنی منطقه توانها این کشورهای بصورت یکی از دو جریان بزرگ تاریخی عصر ما در میآورد که جریان دیگر آن جنبش انقلابی ملی و دموکراتیک است که در منطقه توانهاست . امواج مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و ننگران است و فرومایه آن سراسر منطقه توانها را فرا گرفته است و پیوسته امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکائی را محلی و در میآورد .

و بنام فرمان در جبهه مقدم این مبارزه و الهام بخش و سرشنس در یکمبارزان انقلابی است در کشورهای امپریالیستی مبارزه طبقه کارگر علیه انحصارها شدت مییابد احزاب مارکسیستی - لنینیستی که بکارتی در این کشورهای پدید آمده و رشد میکنند در پیشانی این مبارزه قرار گرفته و آنرا رهبری مینمایند . در تاریخ هیچگاه مبارزه خلق با امپریالیسم و ننگران دست نشانده آن بانده از امپریالیسم در این نبرده است ، هیچگاه سطح آگاهی سیاسی توده های مردم در سطح کنونی قرار نداشته است . نیروی امپریالیسم و ارتجاع که پس از جنگ دوم جهانی تضعیف شد امپریالیسم را در خلقها بدست حوش نزلول بیشتر و بیشتری میگرد .

امپریالیسم امریکائی سر کرده نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی کثرت تضاد های بسیاری است در هر روز نیروی آن را بیشتر تحلیل میگرد . باین ترتیب اوضاع واحواص جهان در مجموع خود بصورت نیروهای انقلابی بسود مبارزه انقلابی است . مشی عمومی جنبش کمونیستی که از طرف حزب کمونیست چین تدوین شده در انطباق با واقعیت جهان و بر اساس تحلیل طبقاتی جامع معا صراحت است .

این مشی عمومی عبارت است از اتحاد کشورهای سوسیالیستی و اتحاد پرولتاریای همه کشورهای اتحادده پرولتاریای جهان با خلقهای امیر و محروم و بر اساس این اتحاد تشکیل جبهه وسیع مبارزه علیه امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی بخاطر پیروی کامل انقلاب پرولتاریائی جهانی و ایجاد جهان نوین و جهانی بدین امپریالیسم و بدین سرمایه داری بدین استعمار .

این مشی عمومی عبارت است از مشی ایجاد جبهه واحد وسیع مبارزه علیه امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی که تحت سرکردگی ایالات متحده امریکا هستند . هسته اساسی این جبهه ارد و کلاس سوسیالیستی پرولتاریای جهانی است . این مشی عمومی عبارت است از مشی بسیج جسران توده ها و افزایش نیروهای انقلابی و جلب نیروهای بینابینی و متغیر ساختن نیروهای ارتجاعی " .

بر اساس این مشی عمومی احزاب مارکسیست - لنینیست مشی و سیاست مشخص خود را تنظیم مینمایند و " هنگام تنظیم مشی و سیاست مشخص برای کشورهای خود مراعات اصل در آمیختن حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم را با پارتیکت مشخص انقلاب و ساختمان در کشورهای خود از نظر درنمیدارند " . از این رو طبقه حزب پرولتاری آنست که بر پایه تئوری مارکسیسم - لنینیسم شرایط تاریخی مشخص کشور خود را بررسی کند ، استراتژی و تاکتیک صحیح و مناسب برگزیند و توده های مردم را بسوی انقلاب رهنمون کرد .

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توان بر اساس این مشی عمومی بررسی جامعه ایران و مشی خود را در سندی تحت عنوان " وظائف و فوروی مارکسیست - لنینیستی برای ایران " تعیین کرده است . این مشی را میتوان چنین خلاصه کرد : اتحاد طبقه کارگر ایران با توده های دهقانی و بر اساس این اتحاد تشکیل جبهه وسیع مردم کرانیک ملی برهبری طبقه کارگر علیه حکومت ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران بسپردگی شاه و علیه حامیان امپریالیسم آن و بدعا رستفم حکومت دموکراسی نوین و پیشرفت بسوی سوسیالیسم .

پیروی از این مشی فقط در صورتی ممکن است که حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر در صحنه ایران بوجود آید میدون چنین حزبی این جبهه مشی همچنان نیروی کافی باقی میماند . از این رو است که سازمان مارکسیستی - لنینیستی توان در رجاء اول طبقه مردم و فوروی احیاء حزب طبقه کارگر ایران را در برابر خویش گذارد و انجام آرا و جبهه همت خویش قرار داد است .

در منطقه توفان ها

جنگ پارتیزانی در ونزوئلا

در روزهای تکامل دوجریان ششادجشم خورده نازیکسوما نوروهای رژیم نواستعماری ونزوئلا و سازشگاریهای حزب ریزویونیستی آنچه آواز سوری و یکبارزه مسلحانه انقلاب بین .

رئیس جمهور ونزوئلا لستونسی که منطوق بولوکیری از انقلاب خلق و تکدید آری نظامات عدلی و حفظ مواضع امپریالیسم امریکا (مانند محمد رضا شاه) با اصلاحات سطحی نواستعماری دست زده اخیرا راه های از سران حزب کمونیست (ریزویونیست) ونزوئلا و از آن جمله دبیرال آنرا از زندان آزاد ساخت اما تانان نیز در صحنه سازی انتخاباتی او شرکت جویند و در فریب دادن توده ها با او یاری دهند . در عین حال رژیم لئوننی حملات سبعمانه خود را علیه پارتیزانهای ونزوئلا تشدید

مبارزه انقلابی در گواتمالا

اخباریکه از گواتمالا (در امریکای مرکزی) میرسد بسیار امیدبخش است . اخبار که گورحاک از گسترش روز افزون مبارزه انقلابی حلوربر ضد امپریالیسم و چارتران اوست . اخبار که گورهمین نشان میدهد که این امرافاش شدن سیاست تسلیم طلبانه ریزویونیستهای گواتمالا و انفراد آنها همراه است . در این کشور نیز مانند ونزوئلا ، کمپها و بولوی و بزرگ و غیره ریزویونیستهای از حلق زحمتکش و مبارز جد امانند وید ریزویکی پارلمانا تارسیم بروروانی رفته اند . با نتیجه نیروهای انقلاب مسلح گواتمالا با حزب ریزویونیستی گواتمالا قطع رابطه کرده اند . فرماندهان نیروهای انقلابی مسلح گواتمالا سزار مونسنس و در اظهارنهایی که در پایان ماه فوریه باین مناسبت منتشر ساخت میگوید : ریزویونیستها " باین امر که حلقی میتوانند قدرت را بدست آورند اعتقاد ندارند ، بطش اند که بروروانی " میتوانند رژیم دیکرانتیک سرما بداری دولتی را که برپه سلامت آمیز آرام آرام با سوسیالیسم تحول بیابد و دیگری کند ، از جنگ میترسند ، با مکان بریزویونیست اعتقاد ندارند ، و ترجیح میدهند که آنقدر رسته های مختلف بروروانی در مقابل خود جایجا شوند که ریزویونیستها بتوانند با آنها با سازشی جنی بر شرکت (در حکومت) نائل آیند " . سزار مونسنس یاد آور میشود که مارکس و لنین در زمان خویش از اپورتونیستها بگریزیدند و چنین نتیجه میگرد : " موقهیک انقلاب بقدر شرین مراحل خود میرسد ضرورتیست که خود را از افراد گروه ها و جریانهای آن که از مقابله با مبارزه دست عاجزند و میخواهند از پیشرفت انقلاب جلوگیری کنند ، بگریزند " . وی همچنین متذکر میگردد که در لحظه ای که انقلاب بین گواتمالا و از آن جمله اعضا حزب در زیر شکنجه پلیس بودن و کشتار میشدند و بهرمان ریزویونیست گواتمالا دست و پا میکردند که میان گواتمالا و اتحاد شوروی روابطی برقرار کنند . بنا بر تصریح سزار مونسنس ، اینک نیروهای انقلابی گواتمالا پس از ضرر عناصر ریزویونیستیک بیگانه در مرکز فرماندهی یگانهای وحش یافتند و ایمان کامل بهمیزورونیستهای برامریالیستها دارند .

کرده است . در راه مبارزات آنها دوگلاس سروا و لوسین پیتسکوف قرار دارند که دو سال پیش از حزب کمونیست (ریزویونیست) اخراج شدند .

اینک سران آزاد شده حزب کمونیست (ریزویونیست) ونزوئلا در مات خود را در دعوت مردم بر شرکت در انتخابات در زمین لئوننی (از نوع انتخابات محمد رضا شاه) در راپیرا به اتمام واقفتر ، بسران نهفت پارتیزانی ونزوئلا آغاز کرده اند . آنها از پشتیبان نهضت خنجر میزند ، ولی تجربه چند ساله نشان داده است که نهضت پارتیزانی ونزوئلا علی رغم ضعفها و اشتباهاتش ولی رغم خیانت ریزویونیستها میتواند ریزویونیستگش را باده و خلق را بر سر منزل نجات و همون شود .

پرچم سرخ بر فراز کوههای پویان (تایلند)

بدریج تضعیف و قدرت خویش را بتدریج افزون سازد . و بدین ترتیب از ریزویونیستهای کوچک به پیروزیهای بزرگ نائل آید . ارتش توده ای بطورگی باین برتنسپ جانشین در این دیار جنگ پارتیزانی نی اتنا " دارد " دشمن حمله میکند ، ما عقب مینشینیم و دشمن توقف مینماید ، ما ایضا " او بیورد ازیم و دشمن فرسوده میشود " .

بجمله دست میزنیم و دشمن میگریزد ما او را تعقیب میکنیم " .

... در زمان کوتاهی خلق در لاوتن نام پیش از این صد هزار سپاهی امریکایی و دست نشانده کانترا از کار انداخته است . ضریباتیک در حلقه تعرضی احیرخلق و ارتش ویشام به مجاورین وارد آمده بینهایت توان مرصوبه است . همچنین ارتش میهن پرست لائو با امریکائیان و دست نشانده کانتاشان ضربات نیرومندی وارد میاورند . آتش انقب در تایلند نیز هر روز زبانه بیشتری میکند . حلقه های بسیاری از نواحی آسیا نیز به مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم امریکا و دست نشانده کانتاشان میروند . امپریالیسم امریکا کینچه های خود را بهمه حد دراز کرده تا کزیر بنکار عمل را در برابر خلقهای جنوب شرقی آسیا درست داده است . بطوریکه دیگرانسی اوضاع و احوال برنمیاید . چنانچه خلقهای تمام آن کندهایلیک مست استبدادی مجاورین امریکای میزند با یکدیگر متحد باشند ، به میدان جنگ توده ای در کشور خود در آینه اعمال خود را با یکدیگر منطبق سازند و یکدیگر کمک رسانند ، میتوانند با امپریالیسم و باز هیولا ضربه زنند ، او را قطعه قطعه سازند ، یکی بر سر او ضربه میزند و دیگری پای او را میبرد .

نسیم خلیج سیاه پرچمهای سرخی را که بر فراز جبال پیوسان امرایشه کشف شده بحرکتد رمیاورد . وضعی گونی مبارزه مسلحانه حلق تایلند که تحت رهبری حزب کمونیست این کشور قرار دارد بسیار مساعد است و هر روز مساعدتر میشود .

پیش از دو سال پیش اولین جرقه مبارزات مسلحانه انقلابی حلیق تایلند بتجدی درآمد . از آن هنگام تا کنون آتش انقلاب با سرعت زیادی در تمام جهات بسط مییابد . اکنون آتشی مبارزات مسلحانه انقلابی در ۲۹ ایالت از ۶۱ ایالت کشور درگیر شده است . هر روز ارتش توده های خلق تایلند ابتدار عمل بیشتری به دست میاورد . در این مدت بیش از دو سال مستعد صافی صورت گرفته و در عین آن تقریباً ۲۰۰۰ نفر از رفایان دشمن از کار افتاده اند .

علاوه بر سرخ و سوسم موقعتی انقلابی در تایلند راپه پستی تنهایی در آن جست که حزب کمونیست تایلند پرچم مارکسیسم - لنینیسم و آموزش مائوتسه دون را برافراشته است ، بر آنست که شهرها را از طریق ها محاصره نماید ، قدرت سیاسی را با یکت اسلحه بدست آورد و استرا تژی و تاکتیک رفیق مائوتسه دون را در مورد جنگ پارتیزانی با انطباق با شرایط ویژه تایلند بکاربرد .

رفیق مائوتسه دون به ما آموخته است که " نیروی عمده جنگ در توده های مردم نهفته است " .

مبارزه مسلحانه خلق تایلند نیز تحت رهبری حزب کمونیست به پیروزیهای قابل خواهد گردید . خلق تایلند با وجود تمام مصائب و دشواریهاییک در راه انقلابش قرار دارد ، سرانجام امپریالیسم امریکایی و مرتجعین داخلی را سرکوب خواهد کرد . بشرط آنکه پرچم سرخ مارکسیسم - لنینیسم و آموزش مائوتسه دون را افراشته نگاه دارد . بچنگ توده ای طولانی ادامه دهد . پیروزی نهائی خلق قهرمان تایلند حتی است . زیرا او را راه جنگ توده ای طولانی مصمم است .

در جبهه نیروی خلق های عرب

پس از زنده گسره کفد اثبات فلسطینی ضربه سختی بر ارتش تجاوز اسرائیل وارد ساختند ، ایوب فرماد سازمان نظامی الفتح در مصاحبه با مجرای الهرام چنین اظهار داشت : " مبارزه مردم فلسطین بر علیه اسرائیل در طی چند توده ای . همگانی گسترش خواهد یافت . پارتیزانهای الفتح در شرب احیر در کربه در برابر ۱۰۰۰ اسرائیلی تجاوزکار قهرمانی بزرگی نشان دادند " .

این نظریه کاملاً درستی است که از وضعیت اوضاع حاور میانسرس چشمه میگیرد . دولت اسرائیل که ساخته و پرداخته امپریالیستها ، خلقهای عرب را مورد تجاوز قرار داده و دهها هزار فلسطینی را از میهن خویش اواره ساخته است . حقانیت خلقهای عرب با آنها نیز شکست ناپذیر میباشد . خلقهای عرب ریزویونیستها باین حقیقت پی میزند که در برابر امپریالیسم بیرحمی که مطلق دیگری جز زورندارد ، حقانیت را فقط با زور میتوان بگرسنی نشانید . کسانیکه خلقهای عرب را به بن بست " انتظار روزانه " میگذرانند و رواق با سرانجام و با امپریالیسم خدمت میکنند . پارتیزانهای عرب بدین دریا تاناکند بیرونی و وقتی در جانب آنهاست ، در جانب سلاحها بدین سرا - شبلی ها ، امروز همه میبینند که بزرگترین نیروی نظامی جهان امپریالیستی با تمام اسلحه آخرین سیستم خود در برابر پارتیزان های ویشام جنوبی بزاندر آمده است . این نمونه انهم بخش بزرگی براد همه خلفا را از آنجمله خلقهای عرب است . هم اکنون ضریباتیک در راه هاب اخیرا بر طرف اند اثبات فلسطینی بر ارتش اسرائیل و ارد آمده از لحاظ قدرت و تاثیر خود متجاوزان اسرائیلی را در حیرت و وحشت برورده است . بدین نردیده این جنایات امروزه نیرومندی ترورر اندک خواهد شد و بروری اشجوا و کاران اسرائیلی بیاد جنایات خود برسد و دوست .

مبارزه مسلحانه خلق تایلند نیز تحت رهبری حزب کمونیست به پیروزیهای قابل خواهد گردید . خلق تایلند با وجود تمام مصائب و دشواریهاییک در راه انقلابش قرار دارد ، سرانجام امپریالیسم امریکایی و مرتجعین داخلی را سرکوب خواهد کرد . بشرط آنکه پرچم سرخ مارکسیسم - لنینیسم و آموزش مائوتسه دون را افراشته نگاه دارد . بچنگ توده ای طولانی ادامه دهد . پیروزی نهائی خلق قهرمان تایلند حتی است . زیرا او را راه جنگ توده ای طولانی مصمم است .

منطقه توفانها

مناطق پهناور آسیا ، آفریقا ، امریکای لاتین مناطق هستند که در آنها تنشهای گوناگون جهان کنونی تمرکز یافته و با بنجهت ضعیف ترین حلقه تسلط امپریالیسم و منطقه عمده توفان های انقلاب جهان را تشکیل میدهد . در این مناطق مستقیم امپریالیسم وارد میآورد . جنبشهای انقلابی دموکراتیک در این مناطق و جنبش جهانی انقلاب سوسیالیستی و دوجریان عظیم تاریخی عصراست . انقلاب ملی و دموکراتیک در این مناطق بخش مهم و بلافک انقلاب جهانی پرولتاریائی عصراست .

تلخیص از روزنامه ژین مین وییائو

از سنده های پستیهای حزب کمونیست چین درباره شش عرصه جنبش جهانی کمونیستی

مبارزه مسلحانه خلقهای عرب بدین دریا تاناکند بیرونی و وقتی در جانب آنهاست ، در جانب سلاحها بدین سرا - شبلی ها ، امروز همه میبینند که بزرگترین نیروی نظامی جهان امپریالیستی با تمام اسلحه آخرین سیستم خود در برابر پارتیزان های ویشام جنوبی بزاندر آمده است . این نمونه انهم بخش بزرگی براد همه خلفا را از آنجمله خلقهای عرب است . هم اکنون ضریباتیک در راه هاب اخیرا بر طرف اند اثبات فلسطینی بر ارتش اسرائیل و ارد آمده از لحاظ قدرت و تاثیر خود متجاوزان اسرائیلی را در حیرت و وحشت برورده است . بدین نردیده این جنایات امروزه نیرومندی ترورر اندک خواهد شد و بروری اشجوا و کاران اسرائیلی بیاد جنایات خود برسد و دوست .

... بکنه رفیق مائوتسه دون " سپاهیان ارتش توده ای با پستی برانند و شونبرای آنکه توده ها را بجنبش وارد اند و مجتمع شوند برای آنکه با دشمن مواجه گردند . " ارتش توده ای تایلند نیز نیز خود را برابری شکل ساخته توده ها وسیع آنها در روستاها پراکنده میسازد و سپس آنها را برای محاصره دشمن ، برای حمله با سکاها با انفجار و سول نقل نفلی آنها مجتمع میگرداند . تمام این اعمال با چنان تحرک و عشقاری انجام میگیرد که دشمن هیچگاه نمیتواند جلوی وایع غیرعقوبه را بگیرد . ارتش توده ای میتواند در هر نبرد شخصیتاً بدینتر شیاهی جمع کند و بدین ترتیب بدشمنی که در مجموع بسیار نیرومند تر از است ضریبات هاف سوسای وارد آورد ، نیروی دشمن را ،

صدیچاهمین سالگرد تکریم ولادت

کارل مارکس

صدیچاه سال اولادت کارل مارکس و نابغه‌ترین کماوندولوی انقلابی پروتوری از او و فریدریش انگلس سرچشمه گرفته است میگرد . مشهورترین نشانه عظمت مارکس پیروزیهای عظیمی است که در عرصه جهان در زیرپرچی که او افراشت نصیب طبقه کارگر و خلقهای جهان شده و میشود .

مایناستینیا سالگرد پیشوایانگشتانی از لنین برادر یاره مارکس نقل میکنیم :

"مطلب عمده در آموزش مارکس توضیح چگونگی نقش جهانی و تاریخی پرولتاریا میباشد ایجاد کننده جامعه سوسیالیستی است ."

"آموزش مارکس خصوصیت و کیفیت عظیم تمام علم بورژوازی (چه فراموشی و چه لیبرال) را که با رکیسم پستالچی شیبیک "طریقت ضاله" میگرد در تمام جهان تمدن علیه خود برهانگیزد . روش بگری هم نمیتوان انتظار داشت . زیرا که در جامعه ای که بنای آن بر پایه طبقاتی گذاشته شده است هیچ علم اجتماعی "پسی غرضی" نمیتواند وجود داشته باشد و بهترین نتیجه بر تمام علم فرمایشی و لیبرال مدافع برتری مزد ورست و مارکسیسم علیه این برتری و جنگ بی آما . بی را اعلام نموده است . انتظار اینکه در جامعه برتری مزدوری علم بیعرض وجود داشته باشد ساده لوحی سفیهانه و در حکم این است که در مسئله مرطوطا افزایش دست مزد کارگران و تقلیل سود سرمایه که از کارخانه داران انتظار و بیخبرسی داشته باشیم .

ولی مطلب باین جا خاتمه نمیپذیرد . تاریخ فلسفه و تاریخ علم اجتماع با صراحت نام نشان میدهد که در مارکسیسم چیزی شبیه به "اصول طریقی" بمفهوم یک آموزش محدود و خشک و جامدی که دور از شاهراه تکامل تمدن جهانی بوجود آمده باشد نیست برعکس تمام نبوغ مارکس همانا در این است که بیروشنیهای پاسخ میدهد که در پیشرویش قیلا ترا طرح کرده است ."

وظائف حزب

حزب طبقه کارگر باید بطور مستقل برنامه ای اعلام شد حتی از نبود پیگیری طبقه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و بیارزه در راه استقلال ملی و دولتی توده های و حزب باید در میان توده ها مستقر فعالیت کند . نیروهای فترقی را بیوسته افزایش دهد نیروهای بنیادینی را بسوی خود جلب نماید؛ نیروهای ارتجاعی را مغرور سازد . فقط از این راه حزب میتواند انقلاب ملی و دولتی را تا پایان دنبال کند و آنرا در راه سوسیالیسم سوق دهد .

از سنده ۲۰ ماده ای پیشنهادی حزب کونیست چین در باره روشی عمومی جنبش جهانی کونیستی

افنامه چند مغازه را غارت و چند اتومبیل را واژگون کردند . . . مجله شوروی بنام "عصر جدید" اینطور یک شاه آند : "خمینی و دست یارانش . . . مؤمنین را بر علیه دولت برانگیخته . . . اصلاحات اجتماعی را که اخیرا اعلام شده است و مخصوصا واگذاری حقوق ششای بزنان را بهانه کردند . در ارتجاعی آنها اشغالی که از تعصب کثرت شده اند بخیابان ریختند . کسی که در مقاله "عصر جدید" بعنوان برانگیخته "تعمیرات کور" و مخالف "اصلاحات اجتماعی" معرفی شده همان است که امروز روزیو نیستیهای ایران از او بعنوان "آیت الله آقای خمینی" یاد میکنند و در انتشار اعلامیه های او بر یکران پیشی میبینند . آن روز روزیو نیستی ایران بدنیال بد آموزان شوروی خود بجای آنکه ماهیت امر و جنبه طبقاتی جنبش را ملک قرار دهند و رنگ مذهبی برخی از تظاهرات را پایه فضاوت قرار دهند نتیجه گرفتند که "چهل مردم یکی از عوامل این حادثه بوده است" و "مشخصه این جریان آتش زدن کیوسکها بوده است" . اتهام ارتجاع و امپریالیسم و روزیو نیستی برجینش خورد اما ماه از نوع همان اتهاماتی بود که امروز سیاهترین نیروهای ارتجاعی برجینش اتهامها را امریکا و برجینش دانشجویان آلمان وارد میسازند . عدای از روحانیین تهران در اعلامیه خود بدستی متذکر شدند که "اگر است باشد در حوادث اخیر کتابخانه سوخته باشد . . . شاهخانه کسی آتش میزند چه تریز و سر یازید اشکاه میفرستد و تا میتواند میکشد و و خراب میکند و سرمایه های ملی را نابود مینماید و استادان و دانشجویان را بر زندان میفرستد و شکنجه میدهد ."

هنوز انگلس صدای کلک های ملت کش محمد رضا شاه در فضای ایران خاموش نشده بود که سفر "حسن نیت" روزیو نیستیهای شوروی در مهمانی وزارت خارجه ایران با کارگردان رژیم ایران جازیز و مستانه سلامت "اطلیحضرت شاهنشاه رئیس مملکت ایران" را آرزو کرد . و ماه بعد بموجب قرارداد "همکاری فنی و اقتصادی" مبلغ ۲۷۰ میلیون تومان بدولت محمد رضا شاه وام و اعتبار داد .

از دانشکن تا سلسله همه جا بر تجماع و امپریالیستها و روزیو نیستیها بدینفورزی با جنبش خورد اما مهربانانند و دست در تخیم ایران را صمیمانه فشرده اند ؛ و خلق ایران همه آنها را بشباهه در همان خونری باز شناخت .

جنبش خورد اما ماه از جهت نقایص خود نیز برای مبارزان راه دولتی و سوسیالیسم حاوی در سهای گران بهایی است . این جنبش رهبری نداشت و با دهقانان در پیوند نبود . این جنبش فقط در شهرها محل تمرکز قوای دشمن است برایشان و از این جهت در ضریمات تمرکز دشمن قرار گرفته و بدین آنکه بتواند از نیروی عظیم دهقانان مدد بگیرد . این جنبش بار دیگر حکم مارکسیستی - لنینیستی را ناثید کرد که بدین حزب طبقه کارگر که رهبری مبارزه را در دست گیرد و پیوند طبقه کارگر با سایر زحمتشان و با کبک غیرهات و فشردهای دولتی و بیوه با دهقانان برقرارند و استحکام بخشد ؛ بر اساس مبارزات قهرآمیز خود با یگانه های انقلابی در روسیا وجود آورد ؛ نهضت را از پیچ و خمها بگذراند و از هرگونه سستی و تسلیم طلبی محفوظ نگه دارد ؛ که تحقق آمال خلق ایران در سرنگونی رژیم کودتا و ریشه کن ساختن آن غیر ممکن است .

خطره جنبش خورد اما ماه را کرامی بدایم .

از جنبش خورد اما ماه بیاموزیم .

در راه احیاء حزب طبقه کارگر در صحنه ایران همیشه رویم .

"علت قدرت بی انتهای آموزش مارکس در درستی آن است . این آموزش کامل و موزون بوده و جهان بینی جامعی با افراد میدهد که با هیچ خرافاتی ، با هیچ ارتجاعی و با هیچ حمایتی از ستم بورژوازی آشتی پذیر نیست ."

"فلسفه مارکس یک ماتریالیسم فلسفی تشکیل شده است که سلاح متد رصرفت را در اختیار بشر و بخصوص در اختیار طبقه کارگر گذارده است ."

"مارکس سیر تکاملی سرمایه داری را از اولین نطفه های اقتصاد کالایی و از جاده له ساره گرفته تا بالاترین شکلهای آن یعنی تولید بزرگ مورد پژوهش قرار داده است و تجربه کلیه کشورهای سرمایه داری را هم از کشورهای قدیم و جدید ، صحت این آموزش مارکس را سال بسال بعد از زیادتری از کارگران آنها را نشان میدهد سرمایه داری در سرکسوجان پیروز شده . ولی این پیروزی فقط پیش در آینه پیروزی کار بر سرمایه است ."

"نبوغ مارکس در این است که او اولین کسی بود که توانست نتیجهای را بدست آورد که تاریخ جهان آنها میاموزد و توانست این نتیجه را بطوری پیگیر تعقیب کند . این نتیجه آموزش مرطوطا بسیار طبقه ای است . . . برای درهم شکستن بنای طبقاتی طبقات فرمانروا - توفان (فقط یک وسیله وجود دارد ؛ باید در همان جامعه ای که ما را احاطه نموده است آن نیروهای را پیدا کرد و برای مبارزه تربیت کرد و سازمان داد که میتواند و بر حسب موقعیت اجتماعی خود بپاید - نیروی را تشکیل بدهند که قادر باشد هم کهن و آوردن نیا باشد . فقط ماتریالیسم فلسفی مارکس بود که راه پیرون آمدن از برتری معنوی را که تمام طبقات ستمی تاکنون در آن سرگردان بودند بپرولتاریا نشان داد . فقط تئوری اقتصادی مارکس بود که وضعیت واقعی پرولتاریا را در تمام عمومی سرمایه داری تشریح کرد ."

"پرولتاریا در جریان مبارزه طبقاتی خود پرورش یافته و آگاه می شود ؛ از موهومات جامعه بورژوازی آزاد میگردد ؛ بدینا از پیس بهم پیوسته میشود و میآموزد که چگونه درجه موفقیتهای خود را مورد سنجش قرار دهد ؛ نیروهای خود را آید بده میکند و بطور مقاومت ناپذیری رشد و نمو مییابد ."

رسالت تاریخی

در برابر ملل و خلقهای ستم دیده آسیا ، آفریقا و امریکا لاتین وظیفه مبارزه علیه امپریالیسم و ستماران آن قرار دارد .

تاریخ با جزایر پرولتاریا باین مناطق رسالت پرافتخاری را محول کرده است و آن اینکه برچم مبارزه علیه امپریالیسم و علیه استعمار و نوکریه برچم استقلال ملی و دولتی توده ای را افراشته نگاه دارند ؛ در نخستین صفوی جنبش انقلابی ملی و دولتی جای گیرند و بخاطر آیند سوسیالیستی مبارزه نمایند .

از سنده ۲۰ ماده ای پیشنهادی حزب کونیست چین در باره روشی عمومی جنبش جهانی کونیستی

روایتی خلق نر . . . بقیه از ص ۱۰ را که افشاند روزیو نیستیها است ریشه کن سازند و توده هارا با اعمال قهر انقلابی رهبری کنند . سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان که در راه احیاء حزب طبقه کارگر ایران در عرصه کشور میروند هدفش سرنگون ساختن رژیم کودتا از طریق قهرآمیز است ؛ از طریق انقلاب مسلح دهانی برهبری طبقه کارگر و رودت با کبک نیروهای ملی ضد امپریالیستی ایران ؛ در روزیو نیستیهای سیاسی کتنام مبارزات خلق را ببلند نگه داشته اند ؛ پیروزی مبارزه خلق ایران در راه سرنگونی قهرآمیز رژیم ضد ملی و دولتی محمد رضا شاه !

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان
۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۷

یک توفان روزیو نیستی

یکی از روزیو نیستیها چنین فتوا داده است :

"در دوران معاصر . . . منظره اقتصادی جهان سرمایه داری بطور جدی تغییر یافته است . بجای کشورهای صاحب مستعمره و مستعمره و تهیه مستعمره های سابق در اقتصاد سرمایه داری در کوره کشور بوجود آمده اند ؛ گروه نخست دولتهای امپریالیستی هستند که با همه وسائل سعی دارند مستعمرات سابق را کاکان در منطقه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود حفظ کنند . گروه دوم کشورهای در حال رشد اند که سعی دارند به استقلال خود تحکیم بخشند و با استقلال اقتصادی از امپریالیسم نائل آیند ."

مجله دنیا شماره ۳ سال ۱۳۴۷ صفحه ۱۱۵

مطلبی این فتوای روزیو نیستی ؛ در جهان امروز نه کشور صاحب مستعمره وجود دارد ؛ نه کشور مستعمره و نه کشور نیمه مستعمره . اینها متلاشی است مرطوب بدوران سابق .

آیا بهتراز این هم میشود امپریالیسم را آرایش داد ؟ آیا بیشتر از این هم میتوان با رکیسم خیانت کرد ؟

سخن دانشجویان

شرح زیرین خلاصه نامه ایست که از طرف دانشجویان دانشجویان ایرانی خطاب به مردم ایران در ارتش نوشته شده و در روزنامه توفان منتشر شده است.

آقای افشار

شاید بهتر میبود که این چند روزی را بشک یکنامه سرکشا و خطاب به شما بجا بیاورید. من مایه های سربازان را که در این روزها در این کشور با شما میباشم و در این روزها در این کشور با شما میباشم و در این کشور با شما میباشم...

آقای افشار

... دوره سفارت انابکی چون لکننگی است که هرگز از این نخواهد رفت. در این دوره دفاع از زبان و پیمانگان بد کاره ها و خورده های تحصیلی و جمع آوری آنان بصورت پاروهای طرفه ارسطو و نیز زدی از درجه سفارت قروضی سنگین بیانگهای اتریش را همه بشوید و زدی دفاع زخمها سگوارچ بود ...

دوران انابکی محلی بنام "خانها بران" از طرف سازمان امنیت با بودجه ۴۰ هزار تومان در راه رویتن تاسیس شد. این مکان که شاید صد کتابها از پیش همند است و مستحق آن میوهها شامل عقد آری و بی بارهای تبلیغاتی در وجه سه میشد وسیله ای کردید که مستهل آن در خانه دور هم میبود با یاری و بی زاری و توفان آخر مدد اموریاتی شهرورین را ترک کردید ...

دردی شخمرانابکی را از ارحل سابق سفارت ایران دروین هم میماند این معرکه که بحق میشد آنرا طویل نماید. از قرار ماهی ۲۵ هزار شلیک انجام شده و گویا اجاره و وسایل آن از قبل پرداخت شده است. حال که سفارت آن محل را ترک نموده و پرونده بد کاره و رفتن روغن است که سفارت نمیتواند مبلغ ۶۰۰ هزار شلیک مال الاجار را از صاحبان آنها بگیرد زیرا که حتما تمام پول به صاحبان آن پرداخت نشده و لااقل نمیشود از آن بیکسه انابکی رفته است ...

سازمان امنیت همیشه ناظر و شریک امور سفارت بود و آنرا کنترل می نمود ما ...

آقای افشار

لایحه برای شما زیرین مشرف مطرح شد ما است که چرا اگر در این مخالف حکومتی کشا نمائید که آزاد اید هستند؟ در ضمن اینکه در لندن خورشت عدای در سفارت طواغیت میکنند. باید گفت که این در لندن گردن امری است. فی النثل اگر خواهی تحقیقی گویا

د مردم افرازی که به شوازه شاه رفتند بنماستیم اول باید آن غده را نماند ارم که هیچگونه موفقی باشا و حکومت او را نماند و فقط در ایشور و وحشتی که نوکران سارت در آن ایجا نمودند به سه پیشواز رفتند و سران فقط ... اراذل و چاقو فروشان و زان ... میمانند و ...

اما اینکه در اغلب دانشجویان مخالف دستگاه میباشند و شما خود خوب میدانید اگر مردم کشوری که شما از آن میاید و رفو مافه بسرمیبرند ...

در ایران این آزادی وجود دارد که از اوضاع تحسین شود و لاغیر کند و زنجیر و شکنجه های "ساواک" در انتظار چشم واقع بین و زبان حق گوست ...

آنها را در حالیکه در همین جنوبی بران کودگان معصوم وطن ما آواره و سرگردان ...

حزب رنکارنگ شمشاد و تنواریانند علف هرزه میباشند که چیزی جز رنگهای کارچاقی نیستند ...

بالا رفتن چند ساختمان در طبقه پایتخت و آن هم از محل دزدی مال ملت در لیل پیشرفت یک کشور نیست ...

باید سونگونی رژیم فاسد و نوکران اشرار را بران عدای از دانشجویان ایرانی

حزب انقلابی

باید حزب انقلابی داشت. باید آن جنبان حزب انقلابی داشت که بر اساس تئوری انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و اساس انقلابی مارکسیسم - لنینیسم بوجود آمده باشد. باید آن جنبان حزب انقلابی داشت که بتواند حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم را با براتیک مشخص انقلاب در کشور خود در آمیزد ...

باید آن جنبان حزب انقلابی داشت که بتواند بی رهبری و توده عظیم مردم پیوند محکم برقرار سازد و باید آن جنبان حزب انقلابی داشت که بتواند از مشورت دفاع شده باصلاح اشتباهات بیرز از و اشتقاق و اشتقاق ایشور دست زند ...

از سنده ۲۵ مادی پیشنهادی حزب کمونیست چین در باره وضع عمومی جنبش جهانی کمونیستی

بسیار زمان توفان ... بقیه از ... تحقیق بدید ... در این نیای واقعیات ... افراد یک سازمان و لواذنگ جهان بنی آنها مارکسیستی ...

لنینیستی باشد می توانند بر مسائل مبارزه هر چه باشد اهمیت این مسائل و دید متفاوتی داشته باشند و در نتیجه افکار و اندیشه ها متضاد در درون سازمان ابوز شود ...

باید گفت که سازمان توفان سازمانی است مارکسیستی - لنینیستی سازمانی است که مارکسیسم - لنینیسم را راهنمای اندیشه و عمل خود قرار داده است ...

خط مشی تشریح توفان موافقت دارند ایدولوژی طبقه کارگر را صی پذیرند ... البته کار بد اینجا خانه نمیباید بر زبانها هم خانه پذیرد در جریان مبارزه انقلابی است که سطح آگاهی افراد سازمان بتدریج بالا می رود ...

باید گفت که سازمان توفان سازمانی است مارکسیستی - لنینیستی سازمانی است که مارکسیسم - لنینیسم را راهنمای اندیشه و عمل خود قرار داده است ...

باید گفت که سازمان توفان سازمانی است مارکسیستی - لنینیستی سازمانی است که مارکسیسم - لنینیسم را راهنمای اندیشه و عمل خود قرار داده است ...

اعلامیه کمونیست های انقلابی شوروی

این اعلامیه که از طرف کمونیست های انقلابی بلشویک شوروی به طور مخفی انتشار یافته و از اسناد مهم جنبش کمونیستی جهانی است از طرف سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ترجمه و طبع شده است ...

- ۱ - سبک ذهنی در رفتار و عمل
۲ - آموزش خود را از نوع بسازیم
۳ - اصول مقدس فلسفه

بهای هر یک معادل چهل ریال است. تشریفات فوق از ارزوناه توفان بخواهید.

گفتگوی و پیروزی انقلاب و اینست به وجود حزب انقلابی پرولتری است

از سنده ۲۵ مادی پیشنهادی حزب کمونیست چین در باره وضع عمومی جنبش جهانی کمونیستی

عنوان مکاتبات: X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی: CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

روزنامه توفان بانکچه بر بنیروی خود بریاست. انتشار هر شماره را بر روزنامه نامیاد شواربهای فراوان بر رویوست. هر کس نامیاد شواربهای فراوان بر رویوست. هر کس نامیاد شواربهای فراوان بر رویوست...

به سازمان توفان

دپیونندیم

بررسی تجارب گذشته نهضت انقلابی ایران، جمعیتدی این تجارب و آموختن از گذشته روزنامه مارکسیست - لنینیست هاست. بررسی حیات و فعالیت حزب توده ایران، حزبی که زمانی بزرگترین حزب خاورمیانه بود و در صحنه سیاسی ایران نقش برجسته ای ایفا می نمود، از بیایی علمی جوانب مثبت و منفی این حزب برای کارآیند انقلاب ایران بدون شک آموزنده و لازم است. این بررسی در همین حال نمیتواند تنها به بحزب توده ایران محدود و محصور گردد و تئوریهای انقلابی دیگر ایران را در برنگرد. اینها همه نکاتی است که در صحت آنها نمیتوان تردید داشت.

معدنک کسانی یافت میشوند که آگاهانه هرگونه فعالیت سازمانی را که باید هر چه زودتر در جهت احیای حزب طبقه کارگر یعنی رادیکال و پرولتری عمیق و تفصیلی تمام جوانب گوناگون فعالیت حزب توده ایران، غیر ممکن می شمارند. اینها برای این عقیده اند که نسبت به باید بتجزیه و تحلیل گذشته بپرداخت آن هم آنگونه تجزیه و تحلیل که همه مارکسیست - لنینیست های ایران بر آن صحنه گذارند و سپس فعالیت سازمانی را آغازند. اما چاکس باید بتجزیه و تحلیل گذشته بپردازد و تجارب آنرا جمعیتدی کند و چگونگی مارکسیست - لنینیست های ایران باید برسر مرتبه آن تریاق کنند و معلوم نیست. عجب تر آنکه این دوستان حاضر نیستند در تحقق امر که این اندازه بدان ابراز علاقه میکنند خود پیش قدم گردند. یا لافل کنکی کنند؟ سهمی داشته باشند. این مطالبه ایست که پیوسته از دیگران دارند و هر قدر معتقدی را باین بهانه تخطئه می کنند و این شیوه تکرار از جانب هر کسی باشد بی سود است زیرا که این شیوه ها در حزب طبقه کارگر ایران احیاء کرد. تیروکورد و راه انقلاب پیس رود. این شیوه تکرار در جهات اول سود روزیونیست هاست که میخوانند یکتا زمین ان باشند و نشان دهند که مارکسیست - لنینیست ها از احیای حزب طبقه کارگر ایران و سهل است از ایجاد هر گونه سازمان، ناتوانند. اگر مارکسیست - لنینیست ها بدنیال این شیوه تفکر برونه نمیتوان یقین داشت که راه جدایی نخواهند برد و تخطیلی از گذشته حزب توده ایران داده خواهد شد و نه بغرض وجود چنین تحلیلی مارکسیست - لنینیست ها خوا نتوانست برسر آن متوافق کامل برسند.

سازمان مابا اشتغال در اسخ بتجزیه و نه روزی از گذشته کوشیده است در زمینه چنین مسئله اساسی تحلیلی کلی بدست دهد و آنرا هر در سندی تحت عنوان "وظائف بیوم و فوری مارکسیست ها - لنینیست های ایران" در معرض افکار عمومی بگذارد و از همه عناصر انقلابی بدو اهدک نظریات خود را در مورد آنها ابراز دارند. اگر اشتباهی نفسی در آن می بینند بنا بر وظیفه انقلابی خود سازمان تافته کرد هفت ما اکنون بیت بار دیگر از این دوستان مارکسیست - لنینیست می خواهیم که ماراد را باین وظیفه ای که بر عهد م کرده ایم یاری کنند و حتی در زمینه تحلیل مسایل گذشته نهضت کمونیستی ایران نظریات خود را در اختیار سازمان ما بگذارند تا سازمان از آن بهره گیرد. بدیهی است ما خود نیز در آئینده میخواهیم کوشیدیم هر بار که امکانی بیس آید و تا آنجا که معلومات و تجربه ما اجازه میدهد بد تحلیل مسایل گذشته نهضت بپردازیم. ولی بنظر ما فعالیت سازمانی را بهانه اینک هنوز تحلیلی از گذشته حزب توده ایران بعمل نیامده. عتوق گذارند کاری است اشتباه آیم و هیچ روی نمیتوان با آن روی موافق نشان داد.

کسانی نیز معتقد اند که باید در همه مسایل و حتی جزئیات آنها با سازمان توفان توافق نظر اشتما باشند تا بتوانند باین سازمان بی پیوند نقدی الحاد، حتی در نشریه توفان نیز گویا نباید عباراتی ویالند یعنی تا چه رسد بقالای بی بیاید که بر خلاف میل و نظر آنان باشد. چیزی که آنها خواهان آئند وحدت و توافق مطلق در ژانده باشد و عملی است ولو آنکه این اندیشه و عمل در مسایل جزئی و کم اهمیت باشد. چنین حواسی البته فقط در محیط بند آمیتواند بقیه در صفحه ۵

تکیه بر نیروی خود

مارکسیست ها - لنینیست ها بر آنند که در کیه مراحل مبارزه باید بر نیروی خود تکیه کرد، یعنی بر نیروی پیشاهنگان خلق و همه خلق.

اگر درست است که خلق و فقط خلق، سازنده تاریخ است و هیچ نیروی بالاتر و الاثر از نیروی خلق وجود ندارد، هیچ تکیه گاهسی مطلق تر از این تکیه گاه نیست.

انقلاب انگیر و ساحتمان معجزه آسای سوسیالیسم در شوروی در عهد فرمان پرور لنین و استالین، نه در روزگار سکت با روشی و شاکرد انترنای، نه انترنای پر فراز و نشیب چین و کوبا بیبیا شکر و انترنای غرعتگی پرولتاریائی آن، حماسه جنگ امپریالیسم شکن ویتنام، همه و همه کواه عظمت خلق است، کواه این حقیقت است که دست خلق کره کشای همه دشوارها است، تکیه بر خلق ضامن همه کامیابیا است. اگر سیاست تکیه بر نیروی خود نبود سوسیالیسم در شوروی ساخته میشد، نه انقلاب چین به پیروزی میرسید، و نه جنگ ویتنام به این همه افتخار میانجامید.

تکیه بر نیروی خود نه فقط ناشی از تناسل سوسیالیسم پرولتری نیست بلکه شرط ضروری آنست. مبار خود را به شانه دیگران انداختن افلیح شدن و بامید دستگیری نشستن، از تناسل سوسیالیسم پرولتری نیست از تناسل سوسیالیست های حقیقی باید در خدمت پرولتاریای جهان مارتباط باشند نه بار خاطر.

تکیه بر نیروی خود بآن معنی نیست که خلقها از یاری یکدیگر بی نیازند. و به یاری یکدیگر وظیفه ندارند. امروز در جهان هیچ حالت صهی نیست که در دایره یک کشور و یک منطقه محدود بماند.

هم جبهه خلقها و هم جبهه امپریالیسم دارای جنبه بین المللی است اتحاد جهانی خلقها در مبارزه علیه دشمن جهانی آنها است یعنی امپریالیسم - شرط ضروری پیروزی است. اما اگر هر یک از خلقها متکی بر نیروی خود نباشد جبهه نیز نمیتواند ضکی بر نیروی خود باشد. فقط آنکه که در خلقها در مراحل مختلف مبارزه تمام قوای خویش استفاده کنند نمیتوانند یکدیگر یاری لازم برسانند. حد و حد صحیح تکیه بر نیروی خود همانست که رفیق ماوشس درون سالها پیش (۱۹۴۵) در این گفتار معین کرده است: "ما بر سر آیم که باید بر نیروی خودمان تکیه کنیم، ما امیدواریم که از خارج کمک بگیریم ولی نباید وابسته بآن باشیم. ما بر مساعی خود و بر نیروی آفریننده تمام ارتر خود و تمام خلق خود تکی هستیم".

این آموزش بزرگ را سیرانقلاب چین و نهضت انقلابی جهانی تأیید کرد. اهمیت آن بویژه آنکه آشکارند که روزیونیست ها با غصب مانت رهبری حزب و دولت شوروی نیروی مادی و معنوی عظیم نخستین کشور سوسیالیستی را بشیوه امپریالیست ها وسیله شانتاز و تهدید و تضعیف و اسارت احزاب و دول دیگر ساختند و برای آنکه ایدئولوژی و سیاست ضد مارکسیستی - ضد لنینیستی خود را بر جمهوری توده ای چین و جمهوری دموکراتیک آلبانی تحمیل کنند صدها هزار در راهبند شکنان از عهد دیدند. صدها طرح ساختمان مشترک را ناتمام گذاشتند، و عاودانه ضربات سنگین بر بنای سوسیالیسم در این دو کشور وارد آوردند. این تجربه تاریخی در دناک نشان داد که آن دو سوسیالیسم که پرولتاریای قهرمان شوروی تحت رهبری لنین و استالین برافراخته و تکیه گاه خلقهای جهان ساخته بود دیگر در آنجا وجود ندارد. خلقهای جهان باید پیش از پیش بر نیروی خود تکیه کنند تا سلاح شانتاز و تهدید و تضعیف را از دست روزیونیست ها بگیرند.

درست در همین لحظه و بهمین مناسبت بود که روزیونیست ها در مدح و ستای "کمک" های خود کتابی سیاه کردند و بتلفین این فکر ضد مارکسیستی پرداختند که گویا هیچ ملتی بدون کمک آنها نمیتواند رسیده با فترت بر مارکسیست ها - لنینیست ها دست زند که اینان چون بخلق خویش روی آورده و از رویزیونیست ها روی بر تافته اند گویا تناسل سوسیالیست و محالند از تناسل سوسیالیست.

لیستاند. این فکر تازه ای نیست. فکری است که بیوسته امپریالیست ها به منظر نامین سیاست خویش و اسارت خلقها تبلیغ کرده اند و اینک روزیونیست ها با تکیه شوم آنها را از سر گرفته اند. روزیونیست های حزب توده ایران نیز صدهای تحریف و تباها را خود را با آواز کوهی روزیونیست های آمریکا آمیخته و (در روزنامه مردم شماره ۳۴۶) فتوا داده اند که "در این شمار تکیه بر نیروی خود کاری است اجتماعی زیرا هم در خلق خود و هم در جهان ساختن جهانی سوسیالیسم است. این شعار نفی از تناسل سوسیالیسم پرولتری و نظهری است از سوسیالیسم پرولتری".

روزیونیست های حزب توده ایران در واقع بملت ایران فریاد می زنند: تا روزیونیست های شوروی انگشت خود را تکان ندهند هیچ کاری از شما ساخته نیست. شما هیچ آید و آنها همه چیز، بنیروی خود تکیه نزنید بدامن روزیونیست ها در آویزید.

روزی در روزگار خویش چه ما پند بکی از ملتهای شوروی در حال چه ما مله کوشی روزیونیست ها اظهار داشت: "تکیه دست آورد های ملت من در اثر دوستی با ملت روس بدست آمده است. اگر از هر یک از آنها ملت من بپرسد که بیشتر از هر چیز بچه، بنواز، خواهانگت بدوستی ملت روس".

این گوینده ندانست که اگر چه دوستی ملت انقلابی روس (و نه روزیونیست روسیه تزاری و یا خروشچی) غنیمت بزرگ و مایه سر بلندی است ولی این دوستی جزئی تکیه بر نیروی خلقها نمیتواند کمترین شرمه های بیار آورد. آنچه دست آورد های ملتی را میسازد نیروی خود آن ملت است و بزرگترین مباحث هر ملت به وظیفه ای است که در برابر تاریخ انجام میدهد.

این گوینده ندانست که با گفتار تملق آمیز خود چه نوهین کم رشکو بملت خویش وارد میسازد. اینک روزیونیست های حزب توده ایران که زنجیر اسارت پروردگی خلق ایران را رنگ آمیزی میکنند نمیدانند که در نظر این خلق چه قیافه منفوری دارند.

ما بحث خویش را در این زمینه باین سخن بزرگ ماثو ختم میکنیم: "شرتهای جامعه را کارگران، دهقانان، و روشنفکران زحمتکی میآفرینند. اگر آنها سرنویست خویش را بدست گیرند، اگر از منو مارکسیستی - لنینیستی پیروی کنند و بجای آنکه از کار مسائل رد بشوند بحل آنها بپردازند، همیشه خواهند توانست بر هر شکلی در جهان فائق آیند".

بهمه رفقای سازمانی و غیر سازمانی

بنا از رفقای سازمانی در پایان نامه ای که درباره "وظائف بیوم و فوری مارکسیست ها - لنینیست های ایران" نگاشته است چنین می نویسم: "رفقای سازمانی باید بدام بسرنوشت نهضت پیونده باشند، راهها و راه ها تازه ای نشان دهند، بهاس کوشی بپوشانند، ها اکتفا نکنند، و نه فقط برای حال بلکه برای آینده نیز آنچه بنظرشان میرسد در اختیار مرکز بگذارند".

این نمونه ای از طرز فکری سوسیالیست است. این ندائی است به همه رفقای سازمانی و غیر سازمانی که زندگی خود را با نهضت در هم آمیزند. در هیچ حالی وظیفه ما بر ما از نظر دورند. اوته پیوسته و جستجوی شرایط نوین و راههای نوین باشند، هرگز نباید از یک هیچ مرکزی میتوانند بدین ابتنا رومل روزانه توده ها بپسند عده ای ناکل آید.

رفقا و دوستان!

وظیفه خطیری که روزنامه توفان بر عهده دارد تنها از هیئت تحریر برعهده ساخته نیست. این وظیفه فقط با پشتیبانی همه رفقای سازمانی و همه خوانندگان و همکاری موثر آنها انجام یافتنی است. امروز نامه توفان بنفرمیهان و متحدان بگریزد. در مقاله نویسی بما کمک کنید. اشتادات و پیشنهاد های خود را با ما در میان بگذارید.

"تا زمانی که سلطه امپریالیسم و نوکریان روی در این منطقه (منطقه توفانی) به کسک کولوس و سرسریزه برقرار است و تا موقعی که امپریالیسم و نوکریان وی جنبش های انقلابی این حلقه ها را با قفس سرکوب میکنند، جنبش های آزاد پیوسته هم چنان اجتناب ناپذیر سیاسی خواهد ماند. کشور ما ایران نیز یکی از کشورهای "منطقه توفانی" است." مستحق نظر طرح "وظائف بیوم و فوری مارکسیست ها - لنینیست های ایران".

این طرح که بضمیمه شماره ۲ روزنامه توفان منتشر شد، در قشور نامه توفان موجود است. آن را برای مطالعه و اظهار نظر و توضیح از روزنامه توفان بخواهید.